



اشراف آیت الله بهجت نه تنها از گذشته کمتر نیست که بیشتر است

رضا کمال نو، ندیم و همراه آیت الله بهجت اظهار داشت: من سالها در کنار آقای بهجت بودم اما کثرت دیدار درد را دوا نمی کند چه بسا کسانی که یک بار ایشان را دیدند و راه را پیدا کردند.

رضا کمال نو، ندیم و همراه آیت الله بهجت اظهار داشت: من سالها در کنار آقای بهجت بودم اما کثرت دیدار درد را دوا نمی کند چه بسا کسانی که یک بار ایشان را دیدند و راه را پیدا کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر، رضا کمال نو از ندیمان آیت الله العظمی بهجت که در 8 سال آخر عمر این بزرگوار در خدمت ایشان بوده است به مناسبت سال گشت رحلت این عالم ربانی در برنامه شب آسمانی شبکه قرآن و معارف سیما حاضر شد و گفت: من می دانستم که بودن در کنار آیت الله بهجت لطف بزرگی از جانب خداوند به من است که باید قدر آن را بدانم اما مسلماً کثرت دیدار درد را دوا نمی کند چه بسا کسانی بوده اند که تنها یکبار آقا را دیده اند اما بعد از آن راه را پیدا کرده و ادامه داده اند.

وی ادامه داد: من می دانم که در حال حاضر نبود جسمی ایشان چندان تفاوتی ندارد زیرا به طور قطع اشراف ایشان نه تنها کمتر از بودنشان نیست که حتماً بیشتر هم می باشد. بنابراین آنچه که مهم است دلتنگی برای آقای بهجت نیست بلکه رضایت ایشان اهمیت دارد.

ندیم آیت الله بهجت بیان داشت: آیت الله بهجت مانند ساده ترین مردم زندگی می کرد و رابطه اش با مردم بسیار خوب و با تواضع بود ایشان در حقیقت نمونه بارز افلاکیان خاکی بودند.

وی گفت: یک روز وقتی ایشان می خواستند به نماز بروند در صفی که مردم می ایستادند تا به ایشان سلام بکنند مردی که فرزندش مریض بود و البته مریضی ناعلاجی هم نداشت به آقای بهجت گفت که آقا اگر می شود برای فرزند من دعا کنید آقا بعد از آن تا چند روز از آن مرد احوال فرزندش را می پرسید طوری که یکبار آن مرد در بیرون مسجد به من گفت من از آقا خجالت می کشم که فکر ایشان را با این همه دغدغه مشغول کرده ام.

وی تصریح کرد: آقای بهجت با مردم بسیار مدارا می کرد امر به معروف این انسان بزرگوار نیز تنها عملی بود و هرگز لسانی به کسی تذکر نمی داد البته ما اگر اشتباهی می کردیم بدون اینکه بگویند متوجه می شدیم که ایشان مکدر شده است.

کمال نو در ادامه اظهار داشت: آقای بهجت عادت داشتند که بعد از نماز در کنار محراب می ایستادند و در حالی که به عصا تکیه می دادند برای مردم دعا می کردند اما در اواخر عمرشان دستشان را از زیر عبا بیرون می آوردند و به مردم دست تکان می دادند من به دوستان می گفتم به نظر می آید که حال آقا مساعد است.

وی تصریح کرد: پولهایی هم که اواخر برای افراد می فرستادند مثل گذشته نبود من فکر می کردم اشتباه می کنند اما وقتی به ایشان بیان می کردم می گفتند نه درست است در حقیقت اینها نشانه هایی بود که ما پس از مرگ ایشان متوجه شدیم که به دلیل نزدیکی به عروجشان بوده است.

ابوالقاسم عربی راننده آقای بهجت نیز در ادامه برنامه بیان داشت: من هنوز هم خواب ایشان را می بینم، خواب می بینم که قرار است آقا را به جایی برسانم.

وی در پایان سخنانش بیان داشت: مردم وقتی آقا را می دیدند به ماشین هجوم می آوردند اما ایشان هرگز ناراحت نمی شدند آنها آقای بهجت را بسیار دوست داشتند و این به این خاطر بود که ایشان نیز مردم را دوست داشتند.